[24] كرانه هاي آسمان تيره وتار گرديد وخورشيد روز به تاريكى افتاد، وروزگار به سياهى گرائيد، وزمين بعد از أو به نشانه تأسف بر آن حضرت اندوهناك بوده، وبراو مى لرزد. شهادت آن حضرت حضرت فاطمه (عليها السلام) بعد از پيامبر نود روز وبه روايتي هفتاد وپنج روز زندگى كرد، در اين مدت هرگز شادمان ديده نشد وگويند در روز آخر از زندگيش در بستر ساده خود قرار گرفته بود، ساعتي از ساعات آن روز را خوابيد، وظاهرادر آن لحظات پدر خويش را در خواب ديد كه فرمود: دختر عزيزم بسوى من بيا كه مشتاق تو هستم، آن حضرت عرض كرد: من به ديدار شما مشتاقتر وآرزومندترم، پس پيامبر فرمود: تو امشب در نزد من خواهى بود. زهرا (عليها السلام) از خواب خويش بيدار شد، چشمانش را گشود، نشاطش بازگشت، گوئى كه وى در درخشش شمع زندگانى خويش لحظاتي قبل از مرگ قرار گرفته است. أو از اينكه مى دانست بزودى از غمها وغصه هاي دنيا رها شده وبه پدر بزرگوارش ملحق خواهد گرديد خرسند وشادمان بود، از طرف ديگر قلبش را آتش فرا گرفته بود، چرا كه وى بزودى بايد همسر عزيز وكفو وشوى خود را ترك مى كرد، شوهرى كه در اين دنياى پر از قساوت وسنگدلى ياور وياورى جز خداى تعالى واو نداشت، چرا كه در آن حوادث سهمگين تنها زهراى مرضيه حامى وناصر مدافع ومونس أو بود، اگر أو از دنيا مى رفت چه كسى جاى أو را براى على (عليه السلام) مى گرفت. _____